

باسمه تعالی

معجزه جاودان

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران نازل شده و سند نبوت ایشان می باشد.

در این درس می خواهیم این ویژگی را بررسی کنیم تا بدانیم:

اولا چگونه قرآن کریم دلیل حقانیت پیامبر اکرم (ص) و معجزه ایشان می باشد؟

ثانیا آیا میان نوع معجزه پیامبر (ص) یعنی کتاب و خاتمیت ایشان رابطه ای هست؟



هرگاه پیامبری از سوی خداوند مبعوث می شد، برای اینکه راستین بودن رسالتش مشخص شود مردم از او درخواست معجزه می کردند؛ یعنی می خواستند کار خارق العاده ای انجام دهد که هیچ بشری بدون تایید و پشتیبانی خداوند قادر به انجام آن نیست. بدین وسیله پیامبران برای تایید حقانیتشان - با اجازه خداوند - معجزاتی می آوردند؛

برخی از معجزاتی که خداوند به حضرت موسی عطا کرد عبارت بودند از تبدیل شدن عصا به اژدها، تبدیل شدن دست به شیء نورانی، کنار رفتن آب دریا برای رد شدن بنی اسرائیل، و...

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ
وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلنَّظِيرِينَ
پس عصای خویش بیفکند که در دم اژدهایی بزرگ شد
و دستش را بیرون کشید و بناگاه آن برای تماشاگران سپید
می نمود^۱

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ
أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ
فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ^۲
به موسی وحی کردیم
عصایت را به دریا بزن، پس دریا شکافته شد
و هر طرفی چون کوهی عظیم گشت

^۱ سوره اعراف، آیه ۱۰۷-۱۰۸.

^۲ سوره شعراء، آیه ۶۳.

معجزات موسی(ع) در دورانی روی داد که سحر و جادو رواج داشت و باید عملی انجام می شد که برتر از هر سحر و جادویی باشد و متخصصان امر نیز آن را تایید کنند. به همین دلیل ساحران معجزه بودن عمل موسی را تایید کردند و با دیدن عصای موسی که به اژدها تبدیل شد به معجزه بودن آن اعتراف کردند و ایمان آوردند.

برخی از معجزات حضرت عیسی علیه السلام زنده کردن پرنده‌ای ساخته شده از گل، زنده کردن مردگان و شفا دادن به بیماری‌های بدون درمان بود:

من با معجزه‌ای از پروردگارتان نزد شما آمده‌ام	أَنْتِي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ
برایتان از گل چیزی چون پرنده می‌سازم	أَنْتِي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ
و در آن می‌دمم، به اذن خدا پرنده‌ای شود	فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ
و کور مادرزاد را و برص گرفته را شفا می‌دهم	وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ
و به فرمان خدا مرده را زنده می‌کنم ^۱	وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ

معجزات حضرت عیسی نیز در زمانی رخ داد که علم پزشکی پیشرفت زیادی کرده بود و پزشکان جایگاه بالایی در جامعه یافته بودند با این وجود، از مداوای برخی بیماری‌ها و همچنین زنده کردن مردگان عاجز بودند. زنده کردن مرده و شفا دادن بیماری‌های غیر قابل درمان، همه را به حقانیت معجزات حضرت عیسی معترف ساخت.

حال با این خصوصیت که هر پیامبری باید معجزه‌ای بیاورد که مردم زمانش به معجزه بودن آن اعتراف داشته باشند، به نظر شما آخرین پیامبر الهی که

اولاً: دینش برای تمامی زمانها (همه مردم روی زمین تا روز قیامت) خواهد بود و

ثانیاً: بعد از او دیگر هیچ پیامبری از سوی خداوند نخواهد آمد،

چگونه معجزه‌ای باید بیاورد؟



آخرین معجزه نبوت

معجزه آخرین پیامبر الهی باید به نحوی باشد که

۱. هم مردم زمان خودش به معجزه بودن آن اعتراف کنند و آن را برتر از توان بشری بدانند

^۱ سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۲. و هم آیندگان معجزه بودن آن را قبول کنند.

خداوند به پیامبر اعظم دو نوع معجزه عطا کرد. یک نوع همانند معجزاتی بود که سایر پیامبران نیز داشتند؛ مانند سخن گفتن با سنگریزه‌ها، باریدن باران به دعای ایشان، حرکت و دو نیم شدن درخت به دستور ایشان، شق القمر و ...

بیشتر بدانیم

حضرت علی علیه السلام در یکی از سخنان خود می فرماید:

من با پیامبر اکرم بودم که گروهی از بزرگان قریش آمدند و گفتند: ای محمد تو ادعای بزرگی کرده‌ای که نه پدرانت چنان کرده بودند و نه یکی از خاندانت. ما از تو چیزی می‌خواهیم که اگر بپذیری و انجام دهی، پی می‌بریم تو فرستاده خدا هستی و اگر انجام ندهی بر ما مشخص می‌شود که جادوگر و دروغگویی.

پیامبر(ص) پرسید: چه می‌خواهید؟ گفتند: به آن درخت بگو از ریشه درآید و بیاید و پیش روی تو بایستد. پیامبر گفت: خدا بر هر کاری تواناست. آیا اگر خدا برای شما چنین کند، ایمان می‌آورید و به حق شهادت می‌دهید؟

گفتند: آری، گفت: اکنون هر چه خواسته‌اید به شما نشان خواهم داد. ولی می‌دانم که به راه خیر باز نمی‌گردید. در میان شما کسانی هستند که به چاه قلیب^۱ افکنده می‌شود، و کسانی که احزاب را گرد می‌آورند.^۲

سپس گفت: ای درخت، اگر به خدا و روز جزا ایمان داری و می‌دانی که من پیامبر خدا هستم، به اذن خدا از ریشه درآی و بیا و در برابر من بایست. درخت از جای درآمد و نزد پیامبر آمد و شاخه‌های بالای خود را بر رسول الله سایبان کرد و یکی از شاخه‌هایش را بر شانه من نهاد که در طرف راست آن حضرت بودم.

مردم به آن نگریستند و از روی تکبر و گردنکشی گفتند: حال دستور بده نیمی از آن نزد تو بیاید و نیم دیگر جای خودش بماند. پیامبر فرمان داد. نیمی از درخت نزد او آمد. آنها از روی کبر و سرکشی گفتند: حال دستور بده تا به نیم دیگر خود ملحق شود. پس پیامبر امر فرمود و درخت بازگشت.

من گفتم: لااله الاالله. ای رسول خدا من نخستین کسی هستم که به تو ایمان آورده‌ام و نخستین کسی هستم که گواهی می‌دهم که به امر خدای تعالی برای تصدیق نبوت تو و ارج نهادن بر سخن تو، درخت چه کرد.

بزرگان قریش گفتند این مرد جادوگری دروغ‌گوست. جادوگر عجیبی است و در جادوگری مهارت خیلی زیادی دارد. سپس گفتند: آیا جز همانند این (مقصودشان من بودم) کسی تو را در کارت تصدیق می‌کند؟^۳



^۱ نام چاهی است در ناحیه بدر. اشاره است به شکست مشرکان در بدر و افکندن اجساد شماری از آنان چون ابوجهل و شیبه و عتبه

^۲ اشاره است به جنگ احزاب یا خندق و ابوسفیان و گرد آوردن احزاب

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

اما نوع دیگر که مهمتر از همه معجزات بود، معجزه جاودانی است که از سوی خدا به پیامبر اکرم داده شد. این معجزه از جنس «کتاب» است. می‌دانیم که پیامبران گذشته علاوه بر معجزات نقل شده، «کتاب» نیز داشتند:

صحف (کتاب) ابراهیم و موسی

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى

این [معانی] در کتابهای گذشته [نیز] موجود

است

کتاب ابراهیم و موسی

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

تورات موسی

ما تورات را که در آن هدایت و نور است [بر موسی] نازل کردیم

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ

زبور داود

و به داود زبور را دادیم

وَأَتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا

انجیل عیسی

بعد از موسی، عیسی را آوردیم و به او انجیل را دادیم

وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ

اما هیچ کدام از پیامبران گذشته کتابشان را معجزه خود نمی‌دانستند؛ یعنی معجزه آنان کتابشان نبود و مردم به دلیل کتابشان آنان را نمی‌پذیرفتند. بلکه سایر معجزات آنان بود که موجب می‌شد مردم رسالت‌شان را بپذیرند و بعد از پذیرش، پیرو تعالیم موجود در کتابشان شوند.

ولی خداوند قرآن کریم را معجزه می‌داند؛ یعنی کتاب خاصی که خداوند به آخرین پیامبرش داده است علاوه بر اینکه برای هدایت تمامی بشر تا روز قیامت کفایت می‌کند خود معجزه است. بنابراین هیچ کس توان آوردن همانند آن را ندارد. خداوند بارها مردم را به تحدی (مبارزه طلبی) در جهت آوردن کتابی همانند قرآن فرا خوانده است:

می‌گویند [قرآن را] به خداوند افترا بسته است

يَقُولُونَ افْتَرَاهُ

بگو اگر می‌توانید یک سوره همانند [قرآن] بیاورید.^۱

قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ

و خداوند تاکید می‌کند که هیچ‌گاه نمی‌توانند همانند قرآن را بیاورند:

بگو اگر تمامی انس و جن جمع شوند	قُلْ لَّيْنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ
تا همانند قرآن را بیاورند	عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ
نمی‌توانند همانند آن را بیاورند	لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ
هر چند پشتیبان هم باشند. ^۱	وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً

فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا خداوند معجزه جاوید خویش را توسط پیامبری امی و درس نخوانده به دست مردم رساند؟



جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

هر کتابی از دو جنبه قابل بررسی است: یک لفظی و دیگری محتوایی. قرآن کریم در هر دو جنبه معجزه است و از مخالفان خواسته که برای اثبات ادعای خود سوره‌ای بیاورند که چه از نظر لفظی و چه از نظر محتوایی شبیه قرآن باشد.

اکنون هر یک از این دو جنبه را بررسی می‌کنیم:

۱- **اعجاز لفظی:** هر کس با زبان عربی آشنا باشد، پس از انس با قرآن، در می‌یابد که این کلام با سایر

کلام‌ها کاملاً متفاوت است. و این حقیقت از همان آغاز نزول مورد توجه همگان و حتی مخالفان قرار گرفت. ساختار موزون کلمه‌ها و جمله‌ها، زیبایی و شیرینی بیان و رسایی تعبیرات با وجود ایجاز و اختصار سبب شده

بود که سران مشرکین، مردم را از شنیدن قرآن منع کنند و اگر کسی برای شنیدن قرآن نزد پیامبر می رفت یا از پشت دیوار خانه پیامبر، به قرآن گوش می داد، او را مجازات می کردند.

همین زیبایی لفظی سبب نفوذ خارق العاده این کتاب آسمانی در افکار و نفوس در طول تاریخ شده است و بسیاری از مردم به خصوص ادیبان و دانشمندان تحت تاثیر آن به دین اسلام گرویده اند..

برای مطالعه

ولیدبن مغیره از بزرگان مکه بود و به حسن تدبیر شهرت داشت. روزی به تقاضای جمعی از مشرکان نزد پیامبر (ص) آمد تا از نزدیک وضع او را بررسی و آیات قرآن را ارزیابی کند. پیغمبر (ص) قسمتی از سوره «سجده» را تلاوت می کرد. این آیات چنان تأثیر و هیجانی در ولید ایجاد کرد که بی اختیار از جا حرکت نمود، نزد مشرکان بازگشت و گفت: سوگند می خورم که از محمد سخنی شنیدم که نه به گفتار انسانها شباهت دارد و نه به گفتار پریان؛ گفتار او شیرینی و زیبایی مخصوصی دارد، و بر هر گفتاری پیروز خواهد شد.

زمزمه در میان قریش افتاد که ولید به گفتار پیامبر علاقه مند شده است. ابوجهل گفت من چاره کار را می دانم. در حالی که خود را غمگین نشان می داد، به منزل ولید آمد. ولید پرسید: «چرا غمگینی؟»

ابوجهل گفت: «چرا غمگین نباشم؟ قریش بر تو با این سن و شخصیت، عیب می گیرند و می گویند که جذب محمد شده ای».

ولید برخاست و با ابوجهل به مجلس قریش درآمد. رو به سوی جمعیت کرد و گفت: «آیا تصور می کنید محمد دیوانه است؟»

حضار گفتند: نه. گفت «تصور می کنید او درگوست؟» حضار گفتند: نه. سپس بزرگان قریش گفتند: پس چه چیزی باید به او

نسبت دهیم تا مردم گرد او جمع نشوند؟ ولید با شیطنتی خاص گفت: «ساحر؛ آری او ساحر است.»^۱

برخی از سران مکه که خود، مردم را از شنیدن قرآن منع می کردند، شبها پشت خانه رسول خدا (ص) می آمدند و به تلاوت

آیات گوش می دادند. مدتی گذشت، یکی از آنان گفت این درست نیست که دیگران را از شنیدن قرآن منع کنیم، اما خود به قرآن

گوش دهیم. آنان تصمیم گرفتند از شب بعد پشت خانه پیامبر (ص) جمع نشوند. در اواخر شب بعد، یکی از آنان از شوق شنیدن

^۱. قرآن و آخرین پیامبر، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۷۸

قرآن و لذا بردن از زیبایی آن، آنقدر برانگیخته شد که نتوانست جلوی خود را بگیرد و دور از چشم دوستان خود به سوی خانه پیامبر (ص) حرکت کرد. وقتی پشت خانه آن حضرت رسید، دید که دوستان دیگر او نیز آمده‌اند و مشغول شنیدن صدای رسول خدا (ص) هستند و تلاوت قرآن را می‌شنوند.^۱

۲- اعجاز محتوایی: محتوای این کتاب شریف ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ دانشمندی

تراوش نکرده است، چه رسد به شخصی که قبل از آن چیزی نوشته و آموزشی ندیده است. حال ببینیم این ویژگی‌ها کدام‌اند.

الف) انسجام درونی: می‌دانیم که آثار و نوشته‌های اولیه دانشمندان و متفکران با آثار دوران پختگی و

کمالشان متفاوت است. از این رو دانشمندان معمولاً در نوشته‌های گذشته خود تجدید نظر می‌کنند و اگر بتوانند، کتاب‌های گذشته خود را اصلاح می‌نمایند.

با این که پیش از شش هزار آیه قرآن کریم در طول ۲۳ سال نازل شده و درباره موضوعات متنوع سخن گفته است، با وجود این، نه تنها میان آیات آن تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق‌تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگ‌اند.

تدبر در قرآن

خداوند در قرآن می‌فرماید:

افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا

با توجه به این آیه بیان کنید که چرا خداوند بر این نکته تاکید می‌کند که اگر قرآن توسط غیر خدا نازل می‌شد ناسازگاری و اختلافات زیادی در آن وجود می‌داشت؟

به نظر شما این اختلافات چگونه اختلافاتی می‌بود؟

۱. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۳۷

ب) **جامعیت و همه جانبه بودن:** قرآن کریم با وجود این که حدود پانزده قرن پیش و در جامعه‌ای به دور از فرهنگ و دانش نازل شده در مورد همه مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت بدان نیاز دارد، سخن گفته و چیزی را فروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی با آخرت و رابطه انسان با خدا سخن نمی‌گوید، بلکه از زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و رابطه وی با انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و برنامه‌ای جامع و همه جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

ج) **ذکر نکات علمی بی‌سابقه:** در جامعه‌ای که علم و دانش جایگاهی نداشت و خبری از رشته‌هایی مانند فیزیک، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و ستاره‌شناسی نبود، قرآن کریم اشاره به برخی نکات علمی می‌کند که در تمام دنیای آن روز بی‌سابقه و بعدها توسط دانشمندان کشف گردید^۱. به چند نمونه از این نکات علمی توجه کنید: (همکاران محترم لطفاً از بین این هفت مورد سه مورد را جهت ذکر در کتاب اصلی پیشنهاد دهید):

۱- زوجیت:

مردم از وجود زوجیت در انسان‌ها و حیوان‌ها مطلع بودند. اما بعدها دانشمندان دانستند که نوعی از زوجیت در گیاهان هم هست. در بسیاری از آنها نر و ماده بر یک پایه قرار دارند و در برخی دیگر درخت نر از درخت ماده جداست.

امروزه روشن شده که گونه‌هایی از زوجیت در سایر موجودات هم وجود دارد، مانند بار مثبت و منفی الکترون و پروتون و بارهای مغناطیسی متضاد. قرآن کریم از این زوجیت‌ها خبر داده است. مثلاً می‌فرماید که ما

^۱ البته، قرآن کتاب هدایت است، نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته علمی می‌پردازد، برای نشان دادن عظمت خلقت و واداشتن انسان‌ها به تفکر در جهان است. از همین روست که این نکات علمی را به‌صورت کوتاه و در حلاً اشاره مطرح می‌کند.

زمین را گستراندیم و کوه‌های بلند و استوار را بنا نهادیم و از هر گیاهی به صورت زوج در آن رویاندیم.^۱ آن‌گاه دامنه زوجیت را توسعه می‌دهد و به همه اشیاء می‌رساند و می‌فرماید از هر چیز دو گونه آفریدیم.^۲

۲- جاذبه زمین:

تا قبل از قرن هجدهم دانشمندان فکر می‌کردند که ستارگان به سقف آسمان‌ها، چسبیده‌اند و به همین علت نمی‌افتند. اما قرآن کریم از وجود جاذبه میان ستارگان، به طوری که همه مردم بفهمند خبر داد و آن را عامل درهم نرفتن ستارگان در یکدیگر معرفی کرد و فرمود: «خداوند، آسمان‌ها را با ستون‌هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا داشته است.»^۳

۳. انبساط جهان

نظریه انبساط جهان یکی از مهمترین کشفیات نجومی انسان در قرن بیستم است. بر طبق این نظریه کهکشانات با سرعت فوق‌العاده‌ای در حال حرکت و فاصله گرفتن از یکدیگرند که در نتیجه آن جهان هستی به طور مداوم در حال گسترش و انبساط است. امری که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره کرده است:

«وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»^۴

۴. ماه تابان و خورشید درخشان

خداوند در قرآن کریم از ماه با عبارت منیر یاد کرده است که به معنی نوری است که از درون شیء نیست و از منبع دیگری بر روی آن می‌تابد در صورتی که از خورشید و ستارگان با تعبیر سراج یاد کرده است که اشاره به منبع نور داشتن است:

«تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا»^۵

^۱، ق، ۷

^۲، ذاریات، ۴۹

^۳، رعد، ۲

^۴سوره ذاریات، آی ۴۷

^۵سوره فرقان، آی ۶۱

۵. مخلوط نشدن دو دریای به هم چسبیده

اقیانوس شناسان به تازگی کشف کرده‌اند وقتی دو دریا با خواص شیمیایی و فیزیکی متفاوتی چون غلظت به هم می‌رسند به علت داشتن نیروی کشش سطحی متفاوت با هم، مخلوط نشده و دیواره نازکی بین آنها تشکیل می‌شود. نمونه‌های واضحی از این پدیده را می‌توان در محل تلاقی دریای بالتیک و دریای شمال در دانمارک مشاهده کرد. این مطلبی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است:

«وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخاً وَ حِجْراً مَحْجُوراً»^۱

۶. شنوایی و بینایی در انسان

طبق یافته‌های علمی، شنوایی در مغز یک بخش دارد ولی بینایی دارای بخش‌های ویژه درک رنگ، بُعد و تصویر است که به صورت جدا ولی در ارتباط دائمی با هم هستند. به همین دلیل خداوند در قرآن کریم در اکثر موارد واژه سمع را به صورت مفرد و بصر را به صورت جمع (ابصار) آورده است. همچنین جلوتر آمدن سمع از بصر تأکیدی است بر اینکه حس شنوایی در انسان زودتر از حس بینایی شکل می‌گیرد همانطور که تحقیقات علمی اخیر بر آن تأکید دارند:

«... جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۲

۷. زنبور عسل

تحقیقات نشان می‌دهد که زنبورهای کارگر ماده هستند. همچنین زنبورهای عسل دارای دو معده هستند؛ در معده اول (کیسه عسلی) کلیه مراحل تبدیل شهد به عسل انجام می‌پذیرد و عسل آماده شده از طریق خرطوم زنبور به داخل کندو ریخته می‌شود؛ این معده به وسیله دریچه‌ای به معده دوم (معده اصلی) منتهی می‌شود. زنبور عسل جهت تغذیه خویش دریچه را باز می‌کند و مقداری عسل وارد معده اصلی آن می‌شود و سایر عملیات گوارش و دفع مدفوع صورت می‌پذیرد. بنابراین هیچ رابطه‌ای بین عسل و مدفوع زنبور وجود ندارد. این مطلبی است که در سوره نحل به آن اشاره شده است:

^۱سوره فرقان، آی ۵۳.

^۲سوره نحل، آی ۷۸.

«ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلَالًا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱

برای مطالعه

نمونه‌هایی از اعجاز محتوایی قرآن:

۱- شاید نتوان کتابی را در جهان یافت که در آن به اندازه قرآن کریم به تعقل، تفکر و علم دوستی تاکید شده است. در این

کتاب، بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۲۸۰ بار از تذکر و ذکر، ۱۸۵ بار از گوش دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از عقل، ۱۹ بار از ژرف اندیشی و تفقه، ۱۸ بار از فکر کردن، ۸ بار از تدبیر کردن، ۸ بار از برهان، ۱۳۲ بار از تبیین و دلیل، ۱۱۴ بار از حکمت و مشتقات آن‌ها و نیز ده‌ها کلمه دیگر مانند قلم و کتاب که به تفکر و علم مربوط می‌شوند، نام برده شده است. همچنین آیات متعددی در نکوهش جهل، غفلت، و تعقل نکردن وجود دارد.

۲- در نظام اجتماعی و سیاسی آن عصر از جمله در نظام اجتماعی روم و ایران، مردم به طبقات عالی و پست تقسیم می‌شدند. کسانی که جزء طبقه پست بودند، حقوق اجتماعی کمتری داشتند. قرآن کریم با این موضوعات به شدت مبارزه کرد و فرمود:

« ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را شاخه شاخه و قبیله قبیله کردیم تا یکدیگر را باز شناسید. همانا

گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. البته خدا دانا و آگاه است.»^۲

۳- در جامعه آن روز عربستان و حتی دیگر نقاط جهان، کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد. در آن جامعه، زن ارزشی شبیه اموال داشت. خانواده‌ای که فرزند دختر به دنیا می‌آورد، احساس شرم می‌کرد^۳ و کار به جایی می‌رسید که گاهی پدر نوزاد دختر را زنده به گور می‌کرد. در چنین فضایی، قرآن کریم با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد: هر کس، از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می‌بخشد^۴ و عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی‌کند.^۵

^۱سوره نحل، آیه ۶۹.

^۱ حجرات، ۱۳.

^۲ نحل، ۵۸.

^۳ نحل، ۹۷.

^۴ آل عمران، ۱۹۵.

همچنین به کسانی که دختران را زنده به گور می‌کردند، بیم آتش جهنم داد و فرمود در روز قیامت درباره این دختران سؤال می‌شود که به چه علتی زنده به گور شدند.^۱

علاوه بر این، قرآن کریم برای زنان حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او استقلال بخشید و بهره‌کارش را از آن خودش دانست؛ هزینه خانواده را از دوش او برداشت و بر دوش مرد قرار داد و به خصوص بر کرامت، عزت و عفافش تاکید کرد تا در جامعه مورد سوءاستفاده مرد قرار نگیرد.



دانشمندان و متفکران امروز جهان، حتی کسانی که مسلمان نیستند، در برابر عظمت و بزرگی آن احساس خضوع می‌کنند و از این کتاب به بزرگی یاد می‌نمایند که این نشان حضور زنده و شاداب قرآن در دنیای امروز است. به نمونه‌ای از اظهارنظرهای دانشمندان معاصر در این باره توجه کنید^۲:

Albert Einstein ۱- آلبرت اینشتین (متفکر و فیزیکدان بزرگ)

قرآن، کتاب جبر یا هندسه یا حساب نیست بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه راست، راهی که بزرگ‌ترین فلاسفه از تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند.

H. Corbin ۲- پروفیسور هانری کربن (فیلسوف معاصر فرانسوی)

اگر اندیشه محمد (ص) خرافی بود و اگر وحی او وحی الهی نبود، هرگز جرأت نمی‌کرد بشر را به علم دعوت کند. هیچ‌یک از افراد بشر و هیچ شیوه تفکری به اندازه محمد (ص) و قرآن، انسان را به دانش دعوت نکرده‌اند؛ تا آن‌جا که در قرآن، نهصد و پنجاه بار از علم، فکر و عقل سخن به میان آمده است.

D. Goustawe Lebon ۳- دکتر گوستاو لوبون (مورخ بزرگ فرانسوی)

قرآن که کتاب آسمانی مسلمین است، به تعالیم و دستورات مذهبی منحصر نمی‌شود بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی و اجتماعی، خیرات، نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام به والدین، کمک کردن به بیوه و یتیم

۵. نکوبر، ۹

۶. برگرفته از کتاب «قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان» از محمد مهدی علیقلی و تلخیص کاظم تقی‌زاده

و سرپرستی آنها، نیکی کردن در مقابل بدی که در موارد متعددی بر آن تأکید شده، و در آن تمام این صفات و خصلت‌های پسندیده تعلیم داده شده است. تعلیمات اخلاقی قرآن به مراتب بالاتر از تعلیمات انجیل است.

Lion Tolstue ۴- لئون تولستوی (فیلسوف و نویسنده شهیر روسی)

هرکس بخواهد سادگی و بی‌پیرایه بودن اسلام را دریابد، باید قرآن مجید را مطالعه کند؛ در آن جا قوانین و تعلیماتی بر مبنای حقایق روشن و آشکار صادر و احکام آسان و ساده برای عموم بیان شده است.